



یادداشت



کپلن در کتاب برجسته خود «آیین پژوهش» اشاره می‌کند که «چند سال پیش کتاب مشهوری به نام «مقدمه‌ای بر منطق و روش علمی» به دستم رسید. کلمه «و» در این عنوان ظاهراً نظر جان دیویی را ندیده گرفته بود، زیرا به نظر دیویی منطق چیزی جز تشریحی تحقیق نیست. درست به این می‌ماند که به کاربرد نقد ادبی در ادبیات اشاره کنیم. بدون چنین کاربردی نقد ادبی هیچ است»^۱.

در عنوانی که برای مطالعات حوزه اطلاع‌رسانی یا گروه‌های آموزشی و مدارس این رشته به کار می‌رود نیز ما پیوسته «علم (یا علوم) کتابداری و اطلاع‌رسانی» را در کنار هم و با واو عطف به کار می‌بریم؛ که در واقع یا، آور اشارات کپلن است. کتابداری چیزی جز اطلاع‌رسانی نیست و عطف این دو به یکدیگر منطقی ندارد. از سوی دیگر، حوزه م در حال تحول و انتقال از مرحله‌ای به مرحله دیگر است، و شاید جمع این دو اصطلاح برای حفظ پیوند میان سنت پیشین و دریافت‌های اخیر عجل‌التأبی مناسب نباشد. اما، هرگاه این پیوند از نظر مفهومی استوار شد و بیم جدا و متفاوت انگاشتن سنت کهن از میان برخاست، دیگر به کار بردن مستمر آن دو اصطلاح به صورت معطوف در عناوین و اشارات موجه نخواهد بود.

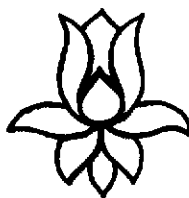
در هر یک از حوزه‌های تقسیمات سنتی کتابخانه‌ها—عمومی، دانشگاهی، تخصصی، و جز آن—که به فعالیت مشغول باشیم، محور کار ما اطلاع‌رسانی است. هر تکنولوژی و فن و تدبیری را نیز که به کار گیریم، غرض، بهبود امر اطلاع‌رسانی است: رساندن اطلاعات مناسب در زمان مناسب به جوینده مناسب. کلیه تدابیر مجموعه‌سازی و سازماندهی و پردازش نیز

ناظر بر این بهینه‌سازی است. نمی‌توان مدعی شد که برخی واحدها «کتابداری» می‌کنند و برخی «اطلاع‌رسانی». این گونه تلقیها حوزه ما را از هدف اصلی خود دور و آن را گرفتار انشقاق می‌کند.

اینکه کتابخانه‌ها چه اطلاعاتی را—با توجه به سیاستها و اهداف از قبل تعیین شده—عرضه می‌کنند بیشتر به محتوای اطلاعاتی آنها مربوط می‌شود تا به فرایند کار. به کارگیری تدابیر و تجهیزات و امکانات نیز متأثر از اهداف و مخاطبان پیش‌بینی شده و ویژگیهای آنهاست.

کتابخانه عمومی—به دلیل گستردگی اهداف و تنوع مخاطبان—ماهیتاً بیش از هر کتابخانه دیگری مسئولیت اطلاع‌رسانی برعهده دارد. وقتی در برخی کشورها کتابخانه‌های عمومی با استفاده از تکنولوژیهای خانگی از جمله تلویزیون، بستر کتابخانه عمومی را تا خصوصی‌ترین حريم مردم نفوذ داده‌اند تا از همه امکانات برای تسهیل دستیابی به اطلاعات مورد نیاز بهره گیرند، در واقع کتابخانه عمومی را به اوج قله اطلاع‌رسانی رسانده‌اند. وقتی شماره تلفن‌های یک شهر که سنتاً در «کتاب زرد» درج می‌شود بر دیسک فشرده‌ای ثبت می‌شود و در همه کتابخانه‌های عمومی در دسترس قرار می‌گیرد، کتابخانه عمومی با تجهیز به آخرین دستاوردهای تکنولوژی اطلاعاتی، حق دستیابی سهل و سریع را برای مخاطبان بالفعل و بالقوه خود فراهم می‌کند، و دهها نمونه و مصداق دیگر.

انصاف دهید آیا بدین ترتیب می‌توان میان حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی تفکیک و تمایز قائل شد؟ نگرشهای جزئی و برخی تصورات ناشی از هراسهای واهی که «پس ما چه می‌شویم؟» نه



یافت که سخن همان است، قالبها و محملها و فنون و تدابیر— بنا به ضرورت‌های اجتماعی، اقتصادی، و فنی— دگرگون شده است. هیبت آنها ما را نگیرد. آنها را لمس کنیم، بشناسیم، و به تناسب از آنها بهره گیریم.

در این شماره پیام کتابخانه کوشیده‌ایم میان دو عرصه به ظاهر جدا— اما در واقع واحد— سنت پیشین و یافته‌های نوین— پیوند برقرار کنیم. از مباحث ظاهراً «متعلق به تاریخ» تا آخرین دستاوردهای انتقال اطلاعات در این مجموعه گرد آمده است. چون همه آنها در عرصه کار ما حضوری فعال دارند. از مباحث فرهنگی نیز— که پیوسته مطرح است— غافل نمانده‌ایم. به همین دلیل، این شماره مجله به دو بخش کاملاً مشهود تقسیم شده است؛ یکی نظرخواهی در باب توسعه فرهنگی— که با یادداشتی مستقل همراه است— و دیگری مقالات، گزارشها، معرفی کتابها، و خبرهایی که عناصر متشکله ساختار کلی مجله است. امید است توانسته باشیم پیام خود را که پیام هر کتابخانه و واحد اطلاع‌رسانی است به درستی انتقال دهیم. بی‌تردید نظرهای سازنده صاحبان نظر و اندیشه پیوسته راهنما و مددکار ما خواهد بود.

توضیحات:

1. Abraham Kaplan, *The Conduct of Inquiry*, San Francisco: Chandler 1964, PP. 6-7.

۲. مجموعه مقالات اولین سمینار کاربردی مراکز و سازمانهای پژوهش فرهنگی و اطلاع‌رسانی (۳/۱ بهمن ۱۳۶۹) تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۸۱.

برای بیمناکان عرصه‌ای را محفوظ نگاه خواهد داشت نه خواهد توانست ورود نویافته‌های حرفه‌ای و فنی را سد کند.

قریب دو سال پیش، در «اولین سمینار کاربردی مراکز و سازمانهای پژوهش فرهنگی و اطلاع‌رسانی» (۱-۳ بهمن ۱۳۶۹) یکی از سخنرانانی فعال و علاقه‌مند در حوزه ما، ضمن ارائه مقاله خود عنوان کرد که «... قبل از آنکه مقاله حاضر را تدوین کنم، با ترس و لرز از مسئولین سمینار در مورد شرکت مقاله‌ای با عنوان کودکان و نوجوانان سؤال کردم، چون تصورم این بود که احتمالاً خارج از موضوع تلقی خواهد شد».^۲ این «ترس و لرز» احتمالاً ناشی از عنوان سمینار و عناوین بسیاری از مقالات ارائه شده و نیز برخاسته از این تأمل بوده است که بحث درباره کتابخانه‌های عمومی کودکان و نوجوانان چه جایگاهی می‌تواند در این گردهمایی داشته باشد؛ جایی که پیوسته از «اطلاعات»، «اطلاع‌رسانی»، «تکنولوژی اطلاعاتی» و... سخن به میان می‌آید.

جس شرا متفکر برجسته حوزه ما سخن جالبی دارد؛ می‌گوید: «اطلاع‌رسان کتابداری است که کارش را درست انجام دهد». این سخن برای برادر دلسوزی که در آن سمینار مطلب خود را درباره کتابخانه‌های کودکان عرضه می‌کرد و کلیه کسانی که می‌پندارند در عرصه نوین اطلاع‌رسانی سخنی برای عرضه کردن ندارند بسیار شایان توجه است.

بیاییم با کمی حوصله و تأمل به اصطلاحات جدیدی که می‌پنداریم برای ما غریبه است بیندیشیم، آنها را بشکافیم، و رگه‌های آشنا را در آنها بیاییم. بین خود و آن اصطلاحات، و نیز میان آنها با مفاهیم آشنای کهن پیوند برقرار کنیم، درخواستیم